

نگاهی به هنر آفریقا

حسین یاوری . فرزانه سلیمانی نیسیانی

۵۶۷۸۹۶۱

سرشناسه	: یآوری، حسین، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به هنر آفریقا/حسین یآوری، فرزانه سلیمانی-نیستانی.
مشخصات نشر	: تهران: سایه بان هنر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۸ ص. مصور (رنگی). : ۵/۱۲×۲۱/۵سم.
شابک	: 978-600-7135-25-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: هنر - آفریقا
موضوع	: هنر آفریقایی -- قرن ۲۰م.
شماره افزوده	: سلیمانی، فرزانه، ۱۳۵۳ -
رده بندی کتبه	: ۱۳۹۴ ۵۲۸/۷۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۷۰۹/۶
شماره کتابخانه ملی	: ۳۹۵۳۱۵۱



شایه بان هنر

نگاهی به هنر آفریقا

نویسندگان: حسین یآوری، فرزانه سلیمانی-نیستانی

ناشر: سایه بان هنر

حروف چین: آرزو طریقت

صفحه آرای: سحر احد پور

طراح جلد: علیرضا اسماعیلی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۵-۲۵-۹

سایه بان هنر: تلفن: ۶۶۲۸۶۹۴۷- فاکس: ۶۶۶۵۱۵۲۳ همراه: ۰۹۱۲-۳۷۰۳۳۹۴

www.sayebanehonar.ir Email:sayebanehonar@yahoo.com

فهرست

عنوان

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۷	بخش اول (درباره هنر آفریقا)
۱۷	فصل اول: موقعیت جغرافیایی - تاریخی و اجتماعی آفریقا
۷۶	فصل دوم: مفهوم فرهنگ، تمدن و جایگاه اسطوره
۱۰۳	فصل سوم: توتم و اسطوره در آفریقا
۱۲۵	فصل چهارم: نگاهی اجمالی به هنر آفریقا
۲۳۵	بخش دوم: هنرهای رایج قاره آفریقا
۲۸۹	بخش سوم: هنرهای صناعی امروزی در برخی از کشورهای قاره آفریقا
۳۲۵	فهرست منابع و مآخذ
۳۳۱	تصاویری از هنرهای قاره آفریقا

پیشگفتار

قاره آفریقا که آن را «قاره سیاه» نامیده‌اند، قاره پهناوری با ۵۹ کشور است که دانش و بینش ما درباره آن پس از یک قرن بسیار ناچیز است. هرچند که قاره سیاه از قرن هجدهم موردی به این سو مورد توجه غربی‌ها قرار گرفته است، اما این توجه به‌طور عمده برای استثمار، غارت ثروت‌های هنگفت و برده‌داری بوده و کمتر محققانی در پی کشف حقیقت یعنی از هنر، فرهنگ و تمدن این قاره بوده است.

کشورهای قاره آفریقا - حتی متمدن‌ترین آن‌ها یعنی مصر، تونس، مغرب و الجزایر - مدت‌ها در استثمار ممالکی چون انگلیس و فرانسه بوده و برای آزادی و رهایی از یوغ آنان، خسارات جانی و مالی فراوانی را متحمل شده‌اند و هنوز هم زخم‌های سالیان متمادی اسارت را بر پیکرهای نحیف سالخوردگان و فقر اقتصادی و فرهنگی سرزمین‌هایشان می‌توان مشاهده کرد.

در اندیشه و فکر و ذهن زمامداران ممالک غربی استعمارگر، آفریقا یعنی سرزمین بهره‌کشی و برده‌داری و چپاول ثروت‌ها و سلب آزادی‌های محرز و مسلم از مردمان آن و تحمیل حکومت‌هایی که منافع آنان را تأمین کند. درغیراین صورت حضور نظامی و کودتا، سهم طبیعی آفریقاییان است.

در این رهگذر جایگاه هنرهای فاخری که الهام‌بخش و الگوی هنرهای قرن بیستم میلادی و هم‌اکنون هنرمندان سراسر جهان و من جمله هنرمندان اروپایی بوده و هست، چگونه تعیین و تبیین می‌شود و مهم‌تر از آن، شناخت هنر رنگ و تمدن ممالکی که هزاران سال است که هنرمندان آن با ذوق و ذوق و باقیات محرز، شاهکارهای مسلم هنری را خلق کرده‌اند، چگونه میسر و معدوم است؟

در این کتاب، ما در پی آن برده‌ایم که تا حدود بضاعت، غبار گمنامی و ناآشنایی را از هنر و هنرمندان سرزمین‌های روتمند آفریقایی که هرگز سهمی از داشته‌های بی‌حسابشان نداشته‌اند، زداییم، ولی باید اذعان کنیم که هنر آفریقا هم‌چنان غریب، مظلوم و ناآشنا حتی برای پژوهشگران شاخص جهان است.

امید است این کتاب، روزنه‌ای باشد برای شناخت کمی و کیفی پژوهشگران ایرانی دربارهٔ هنر آفریقا.

حسین یآوری - فرزانه سلیمانی

مقدمه

امروزه ناظر بیداری هریت در سحنه جهانی هستیم، گویی که در سالن تئاتری به تماشا نشستیم. نمایش تباریک که در جریان است را مشاهده می‌کنیم. نمایشی که در آن برای بعضی تنها راه ابراز وجود این است که ابراز وجود دیگران را انکار کنند؛ نمایشی که در آن مبارزه درازمدت انسان برای نزدیکتر شدن به هم‌نوعان در برابر تاریخ، ناگهان به نبرد انسان با انسان تغییر شکل می‌دهد؛ نمایشی که در آن هر اس از دست دادن آزادی جای خود را به هراس از خود آزادی می‌دهد. تئاتر غریب در این جاست که گویا درمان، خود به مرض مبدل شده است. آیا دلیل این است که بیداری هویتها به جای نقطه عزیمت جدید از بازگشت، و به جای پیشرفت از عقب‌نشینی خبر می‌دهد؟ یا به این دلیل

که از ادیان، نژادها، یا ملتها استفاده می‌کنند؟ یا خلاصه به این دلیل که بیداری چیزی است که می‌بایست در خواب می‌ماند؟ آفریقایی، انسانی که به قول "امه سسزر" حتی نامش را هم دزدیده بودند "در جستجوی هویت خویش است" و "تیروی حیاتی" همیشگی خود را در "بازگشت به سرچشمه‌ها" می‌جوید:

عروسکهای سیاهم را به من بازگردانید
تا باز بهی ساده غریزه‌ام را از سر گیرم
برای رفتن به لاوریهام
و احساس "خرد بودنم"

آفریقایی سیاه که من سیاهان در آن به اوج شکوفایی خود رسیده است، حاشیه غربی تا مرکز قاره آفریقا را در برمی‌گیرد. در این رویداد فرهنگی و هنری برای اولین بار با دنیایی ارتباط برقرار می‌کنیم که هر گوشه آن نشانگر هزاران راز و رمز است.

در این سرزمین، گذشته‌ای با اسطیراها، افسانه‌های جادویی وجود دارد که بیانگر رابطه خدایان با قدرت مافوق طبیعی است، قدرتی که همه از او یاری می‌طلبند و خدایان دیگر با او در ارتباط هستند. در واقع هنر آفریقایی سیاه که از نظر یک آفریقایی تنها بیان گرایشهای شخصی و موقعیتهای اجتماعی و سیاسی و معتقدات و آیین‌های مذهبی است، در اوایل قرن بیستم میلادی به وسیله اروپاییان به عنوان یک هنر شناخته شد و مورد مطالعه قرار گرفت.

هنر آفریقا، اعم از مذهبی و غیرمذهبی تحت تأثیر گروه قومی، ملیت، شرایط زندگی، آب و هوا و فرهنگ هر منطقه است و با این عوامل ارتباط مستقیم دارد.

در آفریقای سیاه هر اثری که به وجود می‌آید آمیخته‌ای است از تفکر و اعتقاد مردم و تأثیری عمیق یا سطحی که هر اسطوره در زندگی روزانه آنها می‌گذارد.

در این هنر، بیان زیبایی به مفهومی که ما می‌شناسیم وجود ندارد. در واقع زیبایی، در جسم سبزه نیک است. به همین دلیل شکلی که آفریده می‌شود، نماینده صفات اخلاقی مشخص است، نه چهره ظاهری او.

بنابر معتقدات آفریقای سیاه، اسطوره زبان سنت و نفس بیان اهمیت اساطیر و سمبولها در آفریقا به دره‌های است که بسیاری از جامعه‌شناسان، جوامع و فرهنگهای گوناگون آفریقاییان را به نوعی تظاهر مادی که از این مفاهیم ناشی می‌شود تصور کرده‌اند. به طور کلی اسطوره به شکل ثابت وجود ندارد و تحت تأثیر تحولات تاریخی قرار گرفته و به وسیله ادبیات شفاهی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

افسانه‌های اساطیری بیشتر بیانگر رویدادهای کلی است، مثل آفرینش دنیا، جدا شدن خدای خالق از مخلوق، تولد قهرمانان و بنیان‌گذاران سرزمین‌ها و امپراتوری‌ها، پیدایش مرگ و امراض.

سهام خدایان در زندگی و مراسم آفریقاییان فوق‌العاده زیاد است و در هر قومی نقش متفاوتی دارد. در آفریقای سیاه هنر به گونه‌های مختلف جلب توجه می‌کند. این اشکال را می‌توان در قالب پیکره (چوب، سنگ، آهن، مفرغ، سفال) معماری، موسیقی، حرکات موزون، ادبیات شفاهی و غیره جستجو کرد. البته هر شکل هنری نسبت به رسوم و عادات قبیله تغییر می‌کند.

بیان هنری یک آفریقایی، منسوب به هر قوم و طایفه‌ای که باشد، غالباً به صورت ماسک‌ها و پیکره‌ها جلوه‌گر می‌شود. در واقع ماسک و پیکره را می‌توان یکی از عناصر مهم زندگی آفریقایی به شمار آورد. یک ماسک گاهی می‌تواند چند ترکیب کامل را که هر یک به تنهای گویای شکلی باشد در برگیرد.

از ماسک‌ها و پیکره‌ها در مراسم خدایان و تجلیل نیاکان، مراسم عزاداری، جشنهای آیینی «را انرمن»، مراسم تقدیس و نیایش به مناسبت حاصلخیزی زمین یا باروری آن و نیز در مراسم غیرمذهبی استفاده می‌شود.

انسانی که حامل ماسک است فردی است عادی و متعلق‌کننده قدرتی پنهانی، با بدنی پوشیده از الیاف گیاهی، پر پرندگان، و گاهی پارچه‌ها. او از قالب جسمانش خارج می‌شود و هویت و فردیت خود را کاملاً فراموش می‌کند و به آن‌چنان حالت قدوسی دست می‌یابد که در او

قدرت فوق طبیعی یا روح نیاکان که به وسیله ماسک نشان داده می شود حلول می کند و از دنیای مری به دنیای نامریی قدم می گذارد.

موسیقی و حرکات موزون از عوامل مهم و موثر این تحول به شمار می آید که حرکات هماهنگ بدن آن را کامل می کند. در سنتهای آفریقایی سیاه، عقاید بر این است که روح جاودانه است و پس از مرگ در قالب پیکره جاری می کند. کمال هنری پیکره هنگامی میسر است که روح یکی از نیاکان در جسم کوکبی از همان خون و طایفه دمیده شود. پیکره‌هایی که به این منظور ساخته می شود، الزاماً چهره‌ای خاص را نمایان نمی سازد بلکه به صورت پیکره‌های مذکر و مؤنثی است که از نظر سازنده پیکره تنها وجود نیاکان را اثبات می کند. بعضی از این پیکره‌ها از نظر ساختمان بدن، وجه تشابهی با یکدیگر دارد و به طریقی نمودار عظمت و قدرت و تحرک است. خطوط بدن و چهره در عین مشخص بودن، حالت انتزاعی دارد و نتیجه تخیل است. در پیکره‌های نیاکان، چهره بسیار با وقار و آرام است و حرکت بیشتر در قسمت زانوها و دستها نمایان شده است. اغلب، سر پیکره به نسبت بدن او بزرگتر ساخته می شود و این کار نشان اهمیت این عضو است. زیرا به اعتقاد آفریقاییان، سر انسان نخستین جایگاه حلول روح و مجموعه‌ای از نیروهای اصلی و حیاتی است و شگفت این که چنین پیکره‌ای، با وجود کوچکی حجم، تصویری بزرگ و نامحدود به بیننده القا می کند. سازندگان ماسکها و پیکره‌ها که

از افراد عادی اجتماع هستند، با الهام‌جویی از روح مشترک جماد، نبات، حیوان و ترکیب اشکال طبیعی بیشتر از نیروی ذهنی و تخیلی خود بهره می‌گیرند. در آفریقای سیاه وقتی که از نیروی زندگی در زمان حیات یا پس از مرگ سخن به میان می‌آید، انسان و حیوان و گیاه و زمین و آب را در برمی‌گیرد؛ و در استحاله هنرمندانه، اشکال با ابعادی هندسی و نحوی حکم و قوی نمایان می‌شود. گاهی نیز برای تزئین ماسکها و یکپارچه‌ها از نگاهی تند گیاهی استفاده می‌شود که در پاره‌ای از موارد، دارای مفهیم تمثیل است. بهره‌گیری از فلز نیز بر زیبایی این اشکال می‌افزاید.

یکی از مراسم روستاهای بسیار مهم آفریقاییان که از نظر اجتماعی و آیینی در خور اهمیت فراوان است، سنن رازآموزی است که به اشکال مختلف و روشهای گوناگون اجرا می‌شود. به منظور آماده کردن دختران و پسران نابالغ برای ورود به زندگی اجتماعی و معنوی بزرگسالان، مراسم به طور محرمانه و در محلی دور از اجتماع روستا می‌شود و در طی این مراسم که معمولاً مدتی طول می‌کشد، به آنان آموزش اجتماعی و حرفه‌ای و جنسی داده می‌شود و این آموزشها، با نظم خاص و آزمایشهای دشوار بدنی توأم است.

مرحله آخر این آیین، با ختنه کردن دختران و پسران و پدید آوردن خطوطی بر سیما و خالکوبی و نقاشی بر چهره و بدن آنان همراه است و

با مراسم جشن و سرور به پایان می‌رسد. البته باید متذکر شد که در این مراسم نیز، مانند سایر مراسم آفریقاییان، ماسک سهم بسیار مهمی دارد. هنر سیاهان مجموعه‌ای از نیروی تخیل، تصور، تنوع سبکها و مظاهر زندگی اقوام این سرزمین است. این هنر بیانی است مستقیم با امکانات ساده که در آن، اندیشه و تخیل و غریزه‌های درونی سازنده با دریافت از الهامات ذی و تبهر در شناخت فنی به هم می‌آمیزد و قدرتی جادویی پدید می‌آورد. هنوز تسم غریزه‌ها که نمودار درون هر فرد سازنده است در هنر اذهانی با غیرمذهبی با رشته‌های پنهانی او را در بر می‌گیرد و ارتباط مستقیمی بین او و سایر افراد با اثر هنری به وجود می‌آورد. در واقع هنر به مادی خرسد، ای ارایه چنین تفکری در آفریقای سنتی مطرح نیست، بدین ترتیب ماسک، بکره نیاکان، و طلسم که از علایم تمثیلی جادویی و مذهبی فراوان برخوردار است، از طرف نیروی مرموز و پنهانی برای ارتباط با ماوراءالطبیعه پذیرفته می‌شود.

ماحصل کلام آن که هنر آفریقا، هنری است سرشار از رمز، آیینی با کاربردهای مشخص که می‌توان آن را هنری اصیل به مفهوم وسیع کلمه دانست. هنری که در آن فناوری کمتر نشانی دارد و خلاقیت، جایگاه ارزشمندی را احراز کرده است.